

# نشانه‌های کتاب کار

ک : کنایه از

قف : قلمرو فکری

↷ : اضافه تشبیهی

M.M : موقوف المعانی

☐ M : نکته املائی

A و B : قرابت معنایی دو قسمتی

گروه آموزشی عصر  
≠ : متضاد

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

\* : واژگان آخر کتاب

# ستایش

## به نام کردگار

- ۱ به نام کردگار (هفت افلاک) که <sup>حذف به قرینگی</sup> <sup>به وجود آورد</sup> <sup>مقداری اندک</sup> (پیدا کرد آدم از گلی خاک) <sup>خالق انسان از خاک</sup>
- طلوع لطف و عنایت الهی (الهی، فضل خود را یار ما کن  
تویی رزاق هر پیدا و پنجان  
زهی گویا ز تو، <sup>معجز از وجودم</sup> گام و زبانهم
- ۵ چو در وقت بهار آبی پدیدار  
(فروغ رویت اندازی سوی خاک،  
گل از شوق تو خندان در بهار است <sup>تشخیص</sup>)  
عشق الهی به طبیعت  
زیبایی بخشیده است  
ناتوانی از توصیف خداوند
- ۹ نمی دانم، نمی دانم، الهی  
<sup>چهل انسان</sup>
- حقیقت، پرده بردار کنی ز رخسار  
عجایب نقش ها سازی سوی خاک  
از آتش رنگ های بی شمار است  
یقین دارم که بی شک، <sup>هسته و اصله</sup> جان جانی  
(تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی) <sup>الله علیم</sup>
- الهی نامه، عطار نیشابوری

۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) گر کسی وصف او ز من پرسد
  - ۲) سعدی که داد وصف همه نیکوان بداد
  - ۳) هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
  - ۴) هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
- بی دل از بی نشان چه گوید باز  
عاجز بماند در تو زبان فصاحتش  
یقین دارم که بی شک جان جانی  
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

# تعلیمی ادبیات

درس یکم: چشمه

کارگاه متن پژوهی

گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

کارگاه متن پژوهی

روان خوانی: خسرو

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

پ... دریا } M  
پ... برای (در زبان قدیم)



## چشمه

(ابیات ۳ تا ۱۰) ← خودپرستی

جلوه گر و پویا

۱ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا  
غلغله زن، چهره نما، (تیزپا)  
گه در دهان، بر زده کف، چون صدف ← سریع  
گاه (چو تیسری که رود بر حدف)  
گفت: درین معسرکه، یکتا منم  
تاج سر گلبن\* و صحرا، منم  
چون بدوم، بزه در آغوش من  
بوسه زند بر سر و بردوش من  
۵ چون بگشایم ز سر مو، گلبن  
زیبایی  
[ ماه بیند رخ خود را به من ]  
مشبهه: من  
مشبهه به: ماه  
زو بدید بس گهر تابناک  
استعاره از ..... و .....  
از نجلی سر به گریبان برد که: شرمندگی و رخ پوشیدن  
در بر من، ره چو به پایان برد  
ابر ز من، حامل سرمای شد  
استعاره از باران  
گل به همه رنگ و برازندگی\*  
اشاره به نیاز کلها به آب  
برای پرورش و زیبایی  
۱۰ [ در بن این پرده نیلوفرے  
در اینجا: دل و درون  
آسمان  
زین نمط آن مست شده از غرور  
از خود پی خود (....)  
دید یکی بجز (خروشنده ای) M.M  
گنگنی، نادره\* جوشنده ای ) ← صولت و ایقت  
اغراق (نعره بر آورده، فلک کرده کر) ① دیده یه کرده، شده زهره در که: ترسناک  
داده تنش بر تن ساحل، یله\*  
راست به مانند یکی زلزله  
درست و دقیق  
نقش دستوری: قید  
← نم داده است

۱۵ M.M

پنجمه کوچک چو به آنجا رسید / وان همه همگامه\* دریا بدید  
 که عقب نشینی کند / خویشش از حادثه برتر کشد  
 خواست کزان ورطه، قدم در کشد  
 کز همه شیرین سخنی، گوشش ماند  
 لیک چنان خیره و خاموش ماند / در اینجا: حیران و درمانده  
 که: سکوت کرد (که شنونده باشد)  
 که: خود را نجات دهد  
 که: حسن آمیزی

نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

۲- هم معنی واژه «راست» با توجه به مصراع «راست به مانند یکی زلزله» در کدام بیت آمده است؟

(۱) چو در ره می‌روی منگر چپ و راست  
 (۲) که و مه راست باشد نزد نادان  
 (۳) سرو آزاد به بالای تو می‌ماند راست  
 (۴) گل بخندید که از راست نرنجیم ولی

نظر بر خویش کن کاین سخت زیباست  
 چو روز و شب به چشم کسور یکسان  
 لیکنش با تو میسر نشود رفتاری  
 هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت

۳- اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب براساس آرایه‌های «تناقض، ایهام، تشبیه، استعاره» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

(الف) نرگس مست نوازشگر مردم‌دارش / خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد  
 (ب) زان سوی بحر آتش گر خوانی‌ام به لطف / رفتن به روی آتشم از آب خوش تر است  
 (ج) در آفاق گشاده است ولیکن بسته است / از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر  
 (ه) گذشت روزگاران بین که دوران شباب ما / در این سیلاب غم دسته‌گلی شاداب را ماند

(۱) ب، ه، الف، ج  
 (۲) ج، الف، ه، ب  
 (۳) ج، ه، الف، ب  
 (۴) ب، الف، ه، ج

۴- در کدام گزینه همه‌ی معنای واژگان صحیح آمده است؟

(۱) (طرب: شادی)، (ضمایم: موضوعات)  
 (۲) (اهلیت: شایستگی)، (پلاس: نوعی گلیم)  
 (۳) (زهی: آفرین)، (مکاری: کرایه کردن)  
 (۴) (یله: آزاد)، (مألوف: نوشته شده)

# کارگاه متن پژوهی

## قلمرو زبانی

- ۱ معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.  
در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟  
راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله
- ۲ بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید و نام اجزای آن را مشخص نمایید.  
«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تی‌ز پا»
- ۳ در بیت پانزدهم، کدام گروه اسمی، در جایگاه مفعول قرار دارد؟

## قلمرو ادبی

- ۱ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.  
■ چون بگشایم ز سرمو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من  
■ گه به دهان، بر زده کف، چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
- ۲ با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
- ۳ آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند: «از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر»؛ به جای «شنیدن سخن»، «دیدن سخن» آمده است.  
■ نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.
- ۴ هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند. کلمه‌ای که در معنای غیر حقیقی به کار رفته باشد، «مجاز» نامیده می‌شود. مثال:

■ پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش

- ۵- آرایه‌های (اغراق - حس آمیزی - تضاد - مجاز) به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟
- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| الف) اندر این فصل گل‌افشان جا به طرف جوی، جوی | بر کش آواز و ببر از بلبل خوش گوی، گوی |
| ب) بعد از هزار سال به بام زحل رسد             | گر پاسبان قصر تو سنگی کند رها         |
| ج) محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد            | از گلشن زمانه که بوی وفا شنید؟        |
| د) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل          | مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان    |
- (۱) ب - الف - ج - د  
(۲) الف - د - ب - ج  
(۳) ب - ج - د - الف  
(۴) الف - ب - ج - د

■ تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من، هیچ کس می نپسندم که به جای تو بود (خلاص)

سعدی

همان طور که می‌دانید، «گوش» اندام شنوایی است و در این معنا، «حقیقت» است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در بیت اول، به مفهوم مجازی «گوش»، یعنی؛ «انسان سخن‌چین» تأکید دارد.

اکنون به بیت دوم توجه نمایید.

«سرو»، در لغت، نام گونه‌ای درخت است، ولی شاعر، آن را در معنای دیگری به کار برده است، یعنی؛ «سرو» در اینجا، «مجاز» است.

■ در شعر این درس دو نمونه مجاز بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

## قلمرو فکری

۱ پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

۲ معنای بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در»

۳ سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید. محتوایی در ..... با شعر چشمه‌ی نیما

یکی قطره باران ز ابری چکید } فروتنی  
که جایی که دریاست من کیستم؟ }  
خجل شد چو پهنای دریا بدید

گر او هست حقا که من نیستم }  
چشم ضمیر }  
چو خود را به چشم حقارت بدید }  
(صدف در کنارش به جان پرورید) تبدیل به مرورید شد }  
در نیستی کوفت تا هست شد } فروتنی = بلندمرتبیگی

تناقض [بلندی از آن یافت کاو پست شد

۴ دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟

برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

۵

۶- در بیت زیر، کدام گروه‌های اسمی، در جایگاه «مسند» قرار دارد؟

«سالکان را صحبت تن پروران سنگ ره است سیل را این خاک‌های مرده کاهل می‌کند»

(۱) سنگ ره - کاهل

(۲) صحبت تن پروران - کاهل

(۳) سنگ‌ره - سیل

(۴) سالکان - سیل

۷- مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) باد بیرون کن ز سر تا جمع گردی بهر آنک
- ۲) عاقل از سر بنهد این هستی و باد
- ۳) ز مغروری کلاه از سر شود دور
- ۴) هان مشو مغرور ز آن گفت نکو

خاک را جز باد نتواند پریشان داشتن  
چون شنید انجام فرعونان و عاد  
مبادا کس به زور خویش مغرور  
زان که دارد صد بدی در زیر او

## گنج حکمت خلاصه دانش‌ها

دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می‌کنی؟  
چوپان در جواب گفت: آنچه خلاصه دانش‌هاست، یاد گرفته‌ام.

دانشمند گفت: خلاصه دانش‌ها چیست؟

چوپان گفت: پنج چیز است:

- تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.
- تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.
- تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مبرم نگویم.
- تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه

دیگری نروم.

- تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.  
دانشمند گفت: حقا که تمام علم را دریافته‌ای. هر کس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

داستان‌های صاحب‌دلان، به کوشش محمدی اشتهاردی

۸- از مفهوم عبارت «تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم.» همه موارد دریافت می‌شود؛ بجز.....  
۱) حق طلبی  
۲) ممانعت طبع  
۳) خویشتن‌داری  
۴) عزت نفس

